

عالم قبر یعنی چه؟ رابطهٔ نفس و قبر ما چگونه تعریف می‌شود؟

Mentazer Mentazer

چه چیزی تعیین‌کنندهٔ وضعیت ما را در عالم قبر است؟

مسئلهٔ مرگ و زندگی بعد از آن از جمله موضوعاتی است که ما همیشه به طور مستقیم یا غیرمستقیم با آن در ارتباط بوده و نسبت به آن کنجکاو بوده‌ایم، البته ممکن است بخشی از کنجکاوی ما به این برگردد که می‌دانیم در نهایت خودمان هم این مسیر را طی خواهیم کرد؛ چون خروج ما از این دنیا به معنای ورود ما به «عالم قبر» یا همان «عالم برزخ» است. پس طبیعی است که سؤالات زیادی نسبت به اموری که قرار است در آینده و پس از مردن با آن مواجه شویم، در ذهنمان شکل بگیرد، سؤالاتی مثل اینکه؛

● عالم قبر چیست؟

● اوضاع من پس از مرگ چگونه است؟

● رابطهٔ نفس و قبر ما چگونه تعریف می‌شود؟

● چه کار کنیم تا از سختی‌های عالم قبر در امان باشیم؟

در درس‌های گذشته متوجه شدیم که برای فهمیدن وضعیت فعلی نفس‌مان آیینه‌هایی در دنیا برای ما قرار داده شده. همان‌طور که پیش‌بینی نمرات پایانی یک دانش‌آموز با توجه به عملکردش در طول ترم کار سختی نیست، ما هم برای فهمیدن وضعیتمان در آخرت و عالم قبر باید ببینیم، که همین حالا عمرمان را چه‌طور و با چه کیفیتی می‌گذرانیم؟ آیا روز به روز به هدف خلقتمان نزدیک‌تر می‌شویم یا از آن فاصله می‌گیریم؟ خیال‌ها، آرزوها، تمایل‌ها و دغدغه‌های ما به چه سمتی است؟ آیا از نقش اعمال و رفتارمان در آینده‌ای که می‌سازیم باخبر هستیم؟ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، این اعمال دنیایی ما هستند که آخرت و عالم قبر ما را می‌سازند؛ پس کافی است که با محاسبهٔ نفسمان بفهمیم در جهنم هستیم یا نه.

در واقع قاعده این است که نفس ما همان قبر ماست؛ یعنی هر چه در آخرت بر سرمان می‌آید، همان چیزی است که در دنیا در نفس خود ذخیره کرده‌ایم. پس برای فهمیدن چگونگی وضعیت‌مان در عالم آخرت یا قبر بهتر است ببینیم، چه چیزهایی نفس ما را در دنیا در فشار قرار داده، یا باعث گستردگی و آرامش آن می‌شوند.

وضعیت ما در عالم قبر

اگر در حال حاضر از ما بپرسند که چگونه قبری می‌خواهیم، یا دوست داریم که شرایطمان در برزخ و آخرت چگونه باشد، همه ما بی‌تردید شروع به ترسیم یک شرایط ایده‌آل می‌کنیم. محیطی فراخ و گسترده بدون هیچ تنگنا و امر آزاردهنده‌ای که در آن از تمام نعمت‌های آخرتی هم برخوردار باشیم. شاید تمام ضعف ما ناشی از این است که اطلاع درستی از ارتباط دنیای خود با عالم آخرتمان نداریم. نمی‌دانیم همین الآن فرصت ساخت کاخ رؤیاهایمان به ما داده شده و با افکار، اعمال، انتخاب‌ها و رفتارمان در حال روی هم گذاشتن آجر به آجر خانه ابدی خود هستیم.

در حقیقت قبر واژه‌ای هم‌معنا با نفس و همان حقیقت و روح ماست که باید آن را در فرصت کوتاه و محدود دنیا بسازیم و آرامشی که از بهشت انتظار داریم، باید ابتدا در دنیا برای خود ایجاد کنیم، اگر در دنیا دائم در فشاریم، در آخرت و پس از مرگ هم مهمان همین دارایی‌های از پیش فرستاده خود خواهیم بود و دچار سختی هستیم. کسی که در ساخت خانه خود از وسایل نامرغوب استفاده کند، نمی‌تواند در پایان انتظار یک خانه محکم را داشته باشد؛ به همین ترتیب هم اگر ما اجازه ورود هر نوع آلودگی را به روحمان بدهیم، همه آن آلودگی‌ها را با خود به برزخ خواهیم برد و در این صورت انتظار تولدی سالم به عالم قبر و قیامت برای ما انتظاری نابه‌جا خواهد بود.

ما همین حالا هم در آخرتیم

احتمالاً قبول دارید که یکی از زیباترین لحظات زندگی لحظه تولد یک نوزاد است. لحظه‌ای که کودکی سالم به این دنیا متولد می‌شود، و اطرافیانش را غرق در لذت وصف ناپذیری می‌کند. در آن لحظه نوزاد تنها کسی است که گریه می‌کند، چون محیط امن و آشنایش را ترک کرده و ناگهان به جهانی هزار بار بزرگتر وارد شده است، اما آغوش مادر تمام نگرانی‌هایش را برطرف می‌کند. چون هنگام حضور در رحم، با صدای قلب مادر و زمزمه‌های او انس گرفته و حالا هم خود را جزئی از بدن مادر می‌بیند، که دوباره به او ملحق شده.

نوزاد پیش از تولد در جایی خارج از دنیا نبوده، بلکه همواره در دنیا زندگی می‌کرده است. دنیا، رحم مادر و خود مادر را احاطه کرده است. در حقیقت مادر و جنین هر دو در دنیا هستند و فقط با یک پوشش از هم جدا شده‌اند. مادر از حضور جنین آگاه است و در انتظار تولد اوست؛ درحالی که جنین هیچ اطلاعی از دنیا، مادر و چیزی که برایش تدارک دیده شده، ندارد.

فاصله جنین در رحم مادر تا دنیا فقط به اندازه یک تولد است و با طی شدن این فاصله کوتاه جنین وارد جهان تازه‌ای می‌شود، جهانی که با همه شگفتی‌هایش انگار تنها برای او آماده شده. همان‌طور که در اولین لحظه ورود جنین به دنیا میزان بهره‌مندی او مشخص می‌شود، در لحظه تولد هر فرد به آخرت هم همه چیز مشخص خواهد شد و در همان لحظه تولد هر یک از ما به عالم آخرت یا قبر معلوم می‌شود که اعمال ما در دنیا باعث تنگنا و فشار یا فراخی زندگی ابدی ما خواهند بود؟

مثالی ساده برای درک ارتباط دنیا با آخرت

فرض کنید همسایه‌ای داریم که با فرزند خود رفتار خوبی ندارد، نسبت به نیازهای مادی و روانی او بی‌تفاوت است، برای تربیت فرزندش زمانی اختصاص نمی‌دهد و هنگام صحبت با او از واژه‌های مناسبی استفاده نمی‌کند، حدس زدن این که این فرزند با چه آینده‌ای روبه‌رو خواهد بود، کار سختی نیست. در واقع رفتارهای فعلی این فرد است که ذره ذره شخصیت آینده

فرزندش را می‌سازد و او در آینده‌ای نه‌چندان دور با حاصل رفتارهای خود مواجه می‌شود. ما هم پس از مرگ که در حکم تولدمان به جهان آخرت است، روند مشابهی را طی می‌کنیم و باید جوابگوی سؤالاتی باشیم که حاصل رفتار ما در دنیاست. در حقیقت توانایی ما در پاسخگویی یا عدم پاسخگویی به این سؤالات است که وضعیت ما را در عالم قبر تعیین می‌کند. همان‌طور که یک جنین در دنیا مهمان آورده‌های خود و زحمتهایی است که در رحم مادر کشیده است، آخرت هم صحنه‌ی رویارویی ما با دستاوردهایمان در دنیاست.

میزان بهره‌ما در آخرت

اوضاع ما در آخرت و میزان راحتی یا عدم راحتی ما در قبرمان به تصمیمات و حرکتهای ما در دنیا بستگی دارد. ما به میزانی که در دنیا به سمت بی‌نهایت شدن حرکت می‌کنیم، در آخرت از کمالات بی‌نهایت بهره می‌بریم، اما فقط دانستن و آگاه بودن از این موضوعات برای ما کافی نیست. ما نیازمند «شدن» هستیم و شدن همان تبدیل شدن و نزدیک شدن مان به کمالات بی‌نهایت است.

اگر به فکر بهره‌برداری راحتی از نعمتهای جهان آخرتیم، باید هرچه بیشتر به سمت کمالات بی‌نهایت حرکت کنیم. در حقیقت ما باید بتوانیم روحمان را به بی‌نهایت تبدیل کنیم. روحی که عصبانیت، زودرنجی، کینه، وابستگی به محدود و حسادت در آن راه نداشته باشد. مهربانی بی‌نهایت، حلم بی‌نهایت، بخشش بی‌نهایت و بخشندگی بی‌نهایت از ویژگی‌های خداست. ما باید تلاش کنیم تا دانایی ما از صفات خدا تبدیل به دارایی مان شود؛ یعنی ابتدا صفات خدا را در خود پرورش داده و سپس مطابق با آنها رفتار کنیم، چون دیر یا زود برای هر کدام از ما زمانی می‌رسد، که به این صفات مانند اندام‌های بدن مان در آخرت و قبرمان نیاز پیدا خواهیم کرد؛ در واقع جهنم همان عدم دارایی در عین نیاز داشتن ماست و بهشت سرشار از نعمه‌ها و آواهای خوش است، اما کسی که گوشی برای شنیدن ندارد، قطعاً از ناشنوایی خود رنج می‌برد.

قبر و سؤالات آن

ما در دنیا مانند نویسنده‌ای هستیم، که داستان خود را نوشته و انتخاب می‌کند که چه پایانی را برای آن رقم بزند؛ اینکه ما چگونه با سؤالات قبر و آخرت مواجه می‌شویم و چه پایانی در انتظار ماست، کاملاً وابسته به اعمال و رفتار ما در دنیاست. با این وجود عالم قبر و سؤالات آن یا آنچه در آخرت با آن مواجه می‌شویم، سؤالاتی کتبی یا شفاهی نیستند؛ در واقع پاسخ این سؤالات همان صفت‌هایی‌ست که باید به آنها تبدیل شده و آنها را به جزئی از دارایی‌های روح خود تبدیل کنیم، پس می‌توانیم بگوییم که ساختار روح ما باعث فراخی یا فشار قبر بوده و معادل جوابمان به سؤالات قبر و قیامت است.

اگر کمی کینه، غرور، حرص یا عصبانیت در روح‌مان وجود داشته باشد، باید در جهنم آنها را از وجود خود جدا کنیم، تا توان استفاده از نعمت‌های آخرت را کسب کنیم، چون جایگاه هر کدام از ما را در آخرت میزان دارایی‌های روحی ما مشخص می‌کند. در حقیقت قبر ما همین نفس و روح ماست، اگر روح ما در دنیا در عذاب و ناراحتی باشد، در آخرت هم همین‌طور در فشار و سختی خواهد بود، اگر در دنیا دچار حسادت، زودرنجی و حساسیت هستیم، پس از مرگ هم دچار گرفتاری در جهنم خواهیم بود.

تنها چیزی که در آخرت به آن نیاز داریم و جایگاهمان را مشخص می‌کند، قلب سلیم است. در حقیقت جایگاه آخرتی ما به سلامت قلب، میزان معرفت، و دارایی‌های ما بستگی دارد. همان‌طور که پوست بدن ما از سلامت کلی یا بیماریمان خبر می‌دهد، وضعیت شادی و آرامش قلب‌مان هم نشان‌دهنده جایگاه ما در آخرت است. قلب سالم در دنیا هم در شادی و آرامش است و قلبی که در دنیا در فشار است، پس از مرگ هم در جهنم و دچار سختی، تنگنا و فشار خواهد بود.

ما در این مقاله متوجه شدیم که نفس ما همان قبر ماست. و وضعیت کنونی ما در دنیا نشان‌دهنده وضعیتمان در عالم قبر و قیامت خواهد بود. ما همین الان هم در آخرتیم و فاصله ما تا عالم قبر تنها به اندازه تولد ما به عالم دیگر یا همان مرگ است.

دنیا به عنوان فرصتی در اختیار ما قرار داده شده تا مسیر تبدیل شدن به کمال بی‌نهایت را طی کنیم و ما به محض ورود به عالم آخرت با نتیجه عملکرد خود در دنیا مواجه خواهیم شد.

شما نسبت به قبر چه دیدی دارید؟ آیا می‌دانستید که ما در حال حاضر در حالت رقم زدن اتفاقات عالم قبر خود هستیم؟